«و تو (شوهر) هیچ حقی بر آن زن نداری». آن مرد گفت: ای رسول خدا، تکلیف مالم (که به عنوان مهریه پرداخت نموده ام) چه می شود؟ فرمود: «مالی به تو تعلق نمی گیرد؛ اگر در مورد او راست گفته ای، مالت در مقابل همبستری و بهره ی جنسی از او، از آنِ اوست. و اگر دروغ گفته ای، به طریق اولی چیزی به تو نمی رسد».

از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که می گوید: فلان بن فلان گفت: ای رسول خدا، اگر یکی از ما همسرش را در حال زنا ببیند، چه کند؟ اگر در این مورد سخن بگوید، ادعای بزرگی کرده است و اگر سکوت کند، از چنین عملی زشتی سکوت کرده است. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم سکوت نمود و پاسخ وی را نداد. پس از این دوباره نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: به آنچه سوال کردم، مبتلا شدم. این بود که الله متعال آیات سوره ی نور را نازل کرد. «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ»؛ و رسول الله صلی الله علیه وسلم این آیات را بر او تلاوت نمود و او را پند داده و متذکر شد. و به وی خبر داد که عذاب دنیا آسان تر از عذاب آخرت است. اما وی گفت: سوگند به کسی که تو را با حق مبعوث کرده است، در مورد همسرم دروغ نمی گویم. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم همسرش را فراخواند و او را پند و اندرز داد و به وی خبر داد که عذاب دنیا آسان تر از عذاب آخرت می باشد که درنتیجه همسرش گفت: سوگند به کسی که تو را با حق مبعوث کرده است، دروغ می گوید. بنابراین از شوهر وی آغاز کرد که چهار بار الله متعال را شاهد و گواه گرفت که از راستگویان است و در بار پنجم گفت: لعنت الله بر من باد اگر دروغ گفته باشم. سپس همسر وی چهار بار الله متعال را شاهد و گواه گرفت که شوهرش دروغ می گوید و در بار پنجم گفت: اگر شوهرش راست گفته باشد، خشم و غضب الله دامن او را بگیرد. سپس آنها را از یکدیگر جدا نمود و سه بار فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ أَنَّ أَحَدَكُمَا كَاذِبٌ، فَهَلْ مِنْكُمَا تَائِبٌ؟»: «الله می داند که یکی از شما دروغگوست، آیا کسی از شما توبه می کند؟». و در روایتی آمده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «لاَ سَبِيلَ لَكَ عَلَيْهَا»: «و تو (شوهر) هیچ حقی بر آن زن نداری». آن مرد گفت: ای رسول خدا، تکلیف مالم (که به عنوان مهریه پرداخت نموده ام) چه می شود؟ فرمود: «لاَ مَالَ لَكَ، إِنْ كُنْتَ صَدَقْتَ عَلَيْهَا فَهُوَ بِمَا اسْتَحْلَلْتَ مِنْ فَرْجِهَا، وَإِنْ كُنْتَ كَذَبْتَ فهو أَبْعَدُ لَكَ مِنْهَا»: «مالی به تو تعلق نمی گیرد؛ اگر در مورد او راست گفته ای، مالت در مقابل همبستری و بهره ی جنسی از او، از آنِ اوست. و اگر دروغ گفته ای، به طریق اولی چیزی به تو نمی رسد».

[صحیح است] [متفق علیه]

اسلام قانون لعان را جهت حل مشکلی اجتماعی مطرح می کند؛ کارکرد آن زمانی است که شوهر، مردی را با همسرش در حال زنا ببیند و برای این مساله گواه و شهودی نداشته باشد؛ در این شرایط به لعان پناه می آورد؛ نه هنگامی که در این مورد شک و تردید دارد و گرفتار وسوسه است؛ بلکه زمانی به لعان روی می آورد که خود به چشم سر زنا را دیده باشد. چون وعیدی که در لعان وارد شده، بسیار بزرگ است. گویا صاحب این داستان در مورد همسرش تردید دارد و می ترسد که مرتکب زنا شود؛ بنابراین این وضعیت را بررسی می کند؛ اینکه اگر او را متهم به زنا کند و شاهد و گواهی نیاورد، حد قذف بر او جاری می گردد و اگر از چنین عملی سکوت کند، عین بی غیرتی و دیوثی است. بنابراین خواطری که در ذهن دارد با رسول الله صلی الله علیه وسلم در میان می گذارد که رسول الله صلی الله علیه وسلم پاسخی به وی نمی دهد؛ چون سوال وی قبل از زمان وقوع آن بوده و از مصادیق به استقبال شر رفتن و باز کردن دروازه ی آن می باشد. علاوه بر این، چیزی در این مورد بر رسول الله صلی الله علیه وسلم نازل نشده بود. فرد مذکور، بعد از طرح این سوال، خود گرفتار آن می شود که الله متعال حکم او و همسرش را در

آیات سوره ی نور نازل می کند. و رسول الله صلی الله علیه وسلم این آیات را بر او تلاوت می کند و او را پند و اندرز می دهد که اگر در اتهامی که متوجه همسرش نموده، دروغ می گوید، عذاب دنیا – حد قذف – آسان تر از عذاب آخرت می باشد. اما وی سوگند یاد می کند که در اتهام زنایی که متوجه همسرش نموده، دروغ نگفته است. سپس همسرش را به همین ترتیب پند و اندرز می دهد و به وی خبر می دهد که عذاب دنیا – حد زنای متاهل که سنگسار است - آسان تر از عذاب آخرت می باشد. اما او نیز سوگند یاد می کند که شوهرش از دروغگویان است. در این هنگام است که رسول الله صلی الله علیه وسلم به امر الهی جامه ی عمل می پوشاند و ابتدا از شوهر آغاز می کند که وی چهار بار الله متعال را گواه می گیرد در اتهامی که وارد کرده، راست گفته است و در بار پنجم خود را شایسته ی لعنت الهی می داند اگر دروغ گفته باشد. سپس همسرش چهار بار الله متعال را گواه می گیرد که شوهرش دروغ گفته است و در بار پنجم خود را شایسته ی خشم و غضب الله می داند، اگر شوهرش در ادعایی که مطرح نموده، راست گفته باشد. آنگاه برای همیشه آنان را از یکدیگر جدا می کند. و از آنجایی که قطعا یکی از آنها دروغگو هست، رسول الله صلی الله علیه وسلم به آنها توصیه می کند توبه کنند. پس از این، شوهر مهریه ای را که داده طلب می کند و رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: مهریه ای به تو بازگردانده نمی شود؛ اگر در این ادعا که وی مرتکب زنا شده، راست گفته باشی، مهریه در مقابل بهره ی جنسی خواهد بود که از او گرفته ای؛ چون شرط آمیزش جنسی در محل آلت تناسلی، مهریه است. و این دو در مقابل هم قرار دارند. و اگر در ادعایت دروغ گفتی، هرگز حقی در آن نداری؛ چون بهتان بزرگی متوجه همسرت کرده ای.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/6025